خبر

قتل، فرجام نزاع و درگیری در پاکدشت

گروه حوادث: مردی که در یک نزاع خیابانی مرتکب قتل شده بود پس از دستگیری به اتهامش اقرار کرد. به گزارش خبرنگار ما ماموران پلیس پاکدشت در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک نزاع در شهرک فرون‌آباد به محل حادثه رفتند و مشاهده کردند فردی در اثر اصابت ضربه چاقو مجروح شده است. این شخص که ضربه چاقو به سینه‌اش اصابت کرده بود بعد از انتقال به بیمارستان جان باخت و ماموران که فهمیده بودند ضارب او مردی به نام رضا است با انجام جست‌وجوهای پلیسی توانستند وی را بازداشت کنند. مقتول را اختلافات قبلی اعلام کرد و گفت: من به خاطر کینه‌ای که نسبت به مقتول داشتم روز حادثه پس از درگیری لفظی با چاقویی که در جیب داشتم ضربه‌ای به قفسه سینه وی وارد کردم و گریختم. بنا بر این گزارش متهم پس از تکمیل پرونده قضایی برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.

کلاهبرداری میلیونی از ۱۵۰ خریدار خودرو

گروه حوادث: جوانی که تحت عنوان فروش قسطی خودرو ۱۵۰ نفر را فریب داده و از آنها کلاهبرداری کرده بود دستگیر شد.

کارآگاهان پلیس آگاهی پس از آنکه این پرونده را در اختیار گرفتند متوجه شدند دو نفر با اسامی جعلی «محمد تقوی» و «حمید پازوکی» شرکتی صوری را با دو دفتر کار تاسیس کرده‌اند و با درج آگهی در روزنامه‌ها و تبلیغات وسیع در خصوص فروش لیزینگی انواع خودرو در مجموع مبلغ حدود ۴۰ میلیون تومان از متقاضیان خودرو گرفته‌اند و با تخلیه دفاتر شرکت متواری شده‌اند.

کارآگاهان طی یکسری اقدامات فنی اطلاعاتی پاتوق یکی از متهمان را در خیابان مطهری شناسایی کردند و پس از حدود یک هفته تعقیب و مراقبت متهم ۲۱ساله به نام بیژن را که دانشجوی رشته صنایع است دستگیر کردند. این جوان در بازجویی‌ها به کلاهبرداری از ۱۵۰ نفر اقرار کرد و راهی بازداشتگاه شد. در حال حاضر تحقیقات برای دستگیری همدست او ادامه دارد.

مادر نوجوان پنج‌قلو زایید

یک مادر نوجوان سوری در دومین بارداری خود پنج‌قلو زایید و نامش بر سر زبان‌ها افتاد. به گزارش ایسکانیوز روز یکشنبه یکی از زایشگاه‌های مرکز «حلب» سوریه شاهد به دنیا آمدن پنج‌قلوی مادر ۱۷ساله‌ای به نام «رابعه» بود. هر کدام از چهار دختر و یک پسر این زن ۱/۵ تا دو کیلو وزن دارند و سزارینی به دنیا آمده‌اند. دکتر کلیر توماس- پزشک رابعه- گفت: حال این مادر خوب است و نوزادانش در سلامتی کامل به سر می‌برند. پدر این پنج‌قلوها ۲۲ساله است او ۱۸ ماه پیش نیز صاحب یک پسر شده بود.

کلاهبرداری خانوادگی با فروش عتیقه‌های تقلبی

گروه حوادث: فردی که با همدستی همسر و داماد خود اشیای عتیقه تقلبی را می فروخت بازداشت شد. ماموران پلیس آگاهی استان گیلان وقتی در جریان فعالیت اعضای باندی قرار گرفتند که با فروش اشیای عتیقه در رودبار کلاهبرداری می‌کنند به تحقیق در این باره پرداختند و متوجه شدند سردسته باند مردی به نام «علیرضا» است که با همدستی همسرش «زهرا» و داماد خود «علی» در این زمینه فعالیت دارند. به این ترتیب، محل اختفای متهمان شناسایی شد و آنان دستگیر شدند.

اعضای این خانواده در اعترافات خود گفتند با انتخاب طعمه‌های خود از شهرستان‌های مختلف آنها را به استان گیلان می‌کشاندند و به بهانه نشان دادن اشیای قدیمی به خانه‌های مخروبه می‌بردند و پس از ارائه اقلام عتیقه بدلی آغشته به آب طلا مبالغی میلیونی از آنها دریافت می‌کردند. متهمان همچنین توضیح دادند در صورتی که خریدار متوجه تقلبی بودن اشیا می‌شد با ضرب و شتم وی وجوه همراه او را سرقت می‌کردند و متواری می‌شدند.

دختر برزیلی پدر متجاوزش را بخشید

زنی که به مدت ۱۲ سال توسط پدرش زندانی شده بود و از او هفت فرزند داشت، در جلسه رسیدگی به پرونده اعلام کرد پدرش را بخشیده است، چراکه نمی‌تواند بدون کمک او از عهده فرزندانش برآید. به گزارش ایسنا «آدریانا مریس» سربازرس ویژه این پرونده عنوان کرد: این زن که هم‌اکنون ۲۸ سال دارد، کاملاً گیج شده و نمی‌تواند احساسات خود را به خوبی بازگو کند، اما به ما گفت پدرش را بخشیده و نمی‌خواهد او به زندان بیفتد، چرا که به کمک پدرش برای مراقبت از فرزندانش نیاز دارد. این مقام مسوول خاطرنشان کرد: این زن ۲۸ساله گفته بود هیچ‌گاه خواسته‌های غیراخلاقی پدرش را رد نکرده بود چراکه می‌ترسید او و کودکانش را رها کند. «خوزه آگوستینو پیررا» ۵۴ساله متهم است از سال ۱۹۹۸ میلادی دختر خود را که آن زمان فقط ۱۲ سال داشت در یک کلبه دو خوابه کثیف و آلوده در خارج از شهر زندانی کرده و او را مورد تعرض قرار می‌داد. این مرد همچنین به آزار جنسی دو کودک از هفت فرزندی که از دخترش دارد، متهم شده است. دختر دیگر این مرد که هم‌اکنون ۳۱ سال دارد، نیز توسط پدرش مورد تجاوز قرار گرفته بود، اما هنگامی که پسرش را به دنیا آورد، از ترس جانش از خانه گریخت.

همسرکشی در کالیفرنیا، محاکمه در تهران

متهم به قتل با شکستن پابند الکترونیکی از امریکا گریخته بود

گروه حوادث: یک مرد ایرانی مقیم امریکا که همسرش را به ضرب گلوله به قتل رسانده است بعد از محاکمه در دادگاه کیفری استان تهران به پرداخت دیه محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما این مرد که کاظم نام دارد سه سال قبل الهام همسر جوان خود را به ضرب گلوله به قتل رساند.

کاظم که دقایقی بعد از این جنایت توسط پلیس کالیفرنیا بازداشت شد به ماموران گفت مردی می‌خواست همسر او را از دستش دربیاورد و وی به خاطر علاقه‌ای که به همسرش داشت او را به قتل رسانده است.

کاظم بعد از انجام بازجویی‌های اولیه از سوی پلیس کالیفرنیا بازداشت خانگی شد و ماموران برای کنترل وی پابند هوشمند به پاهایش وصل کردند. چند روز بعد کاظم موفق شد با از کار انداختن سنسورهای پابند آن را باز کند. او سپس از امریکا به ایران گریخت.

زمانی که کاظم به ایران آمد با شکایت پدر الهام بازداشت و روز گذشته جلسه محاکمه وی در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد.

در ابتدای جلسه محاکمه سیدحسینی نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و بعد از اینکه دلایل خود را برای متهم کردن کاظم به دادگاه ارائه داد از هیات قضات خواست متهم را به مجازات قانونی محکوم کنند. سپس پدر مقتول در جایگاه حاضر شد و گفت: من تقاضای صدور حکم قصاص برای قاتل فرزندم را دارم.

وی ادامه داد: «سال ۶۳ همسرم را از دست دادم. دخترم الهام خیلی کوچک بود و من نمی‌توانستم از او مراقبت کنم، بنابراین او را به مادربزرگش سپردم و خودم ازدواج کردم. بعد از مدتی متوجه شدم دخترم ازدواج کرده و به امریکا رفته است. من الهام را دوست داشتم و سرنوشت او برایم مهم بود، حالا که کاظم او را کشته است تقاضای صدور حکم قصاص در این خصوص را دارم.

در ادامه این رسیدگی کاظم مرد ۵۲ساله در جایگاه حاضر شد و گفت: اتهام قتل عمد را قبول ندارم. من نمی‌خواستم او را بکشم و نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاد.

وی در مورد اینکه چطور با همسرش آشنا شد، گفت: سال ۸۱ بود که من از امریکا به ایران آمدم. در ماشین با دختری به نام الهام آشنا شدم. او سر صحبت را با من باز کرد و وقتی فهمید مقیم امریکا هستم از من خواست با او ازدواج کنم. من همسر و سه فرزند داشتم، برای اینکه با الهام ازدواج کنم باید از همسرم جدا می‌شدم.

به همین خاطر از الهام خواستم به من قول دهد به خاطر خودم می‌خواهد با من ازدواج کند و تا پایان عمرم نیز با من می‌ماند. الهام به من گفته بود با پسران زیادی رابطه داشته است. به همین خاطر به او اعتماد نداشتم.

متهم ادامه داد: الهام گفته بود از پدرش متنفر است چراکه او را به خاطر زنی دیگر رها کرده و او هم از وقتی که به نوجوانی رسید با پسران زیادی رابطه داشت و حتی صیغه مردی هم شد و بعد از هم جدا شدند. همین گفته‌ها بود که باعث می‌شد من به الهام اعتماد نکنم. با این وجود الهام به من قول داد همیشه در کنارم باشد. من سعی کردم او را همراه خودم ببرم اما نشد. به همین خاطر وی را صیغه کردم و به امریکا رفتم تا کارهای مربوط به مهاجرت او را انجام بدهم. در این مدت الهام در خانه مادر من زندگی می‌کرد اما هیچ یک از اعضای خانواده‌اش به دیدار او نمی‌رفتند و این موضوع برای خانواده من خیلی مساله مهمی بود. بعد از چند ماه الهام را به امریکا بردم.

کاظم ادامه داد: ما با هم به لاس‌وگاس رفتیم و زندگی خودمان را آغاز کردیم. این در حالی بود که من همسرم را طلاق داده بودم و تنها پشتوانه‌ام الهام بود. او در لاس‌وگاس به کلاس زبان می‌رفت و من متوجه شدم در کلاس با چند مرد جوان آشنا شده است. الهام یکدفعه تغییر کرده بود، آنقدر خود را در فضای امریکا گم کرده بود که به زنی بدنام تبدیل شده بود. من سر این موضوع با همسرم دعوا کردم و به او گفتم حاضر نیستم وی را با این رفتار تحمل کنم. الهام یک تعهدنامه کتبی نوشت و قول داد دیگر این کار را نمی‌کند. بعد ما با هم به ایالت کالیفرنیا رفتیم و در آنجا مشغول به کار شدیم، من شیفت شب بودم و الهام شیف صبح. مدتی که از زندگی‌مان در کالیفرنیا گذشت، متوجه شدم شب‌ها که من در خانه نیستم الهام با یکی از همکارانش به نامروبی ارتباط برقرار می‌کند.

مرتب تلفن خانه اشغال بود. من برای اینکه برای حرف‌هایم مدرکی داشته باشم یک دستگاه ضبط صوت روی تلفن نصب کردم. مکالماتی که الهام و روبی انجام می‌دادند آنقدر زننده بود که تصمیم گرفتم از الهام جدا شوم. اما او قبول نکرد و باز هم قول داد که زنی خوب باشد. چند ماه بعد متوجه شدم با مرد دیگری رابطه دارد. این مرد یوری نام داشت. این بار دیگر از الهام شکایت کردم و پلیس کالیفرنیا او را به جرم دروغگویی و خیانت به زندان انداخت. هفت ماه بود که الهام در زندان بود و اقامت او هم باطل شده بود. یک روز از زندان با من تماس گرفت و با گریه و زاری خواست شکایتم را پس بگیرم. من شکایتم را پس گرفتم و الهام آزاد شد. او این بار از دولت امریکا تقاضای پناهندگی کرد. متهم ادامه داد: الهام دوباره به خانه من برگشته بود و ما داشتیم با هم زندگی می‌کردیم. او می‌گفت عاشق مرد دیگری شده است و می‌خواهد مدتی با او زندگی کند. اگر نتوانست ادامه دهد دوباره بازمی‌گردد. من جواب دادم در هیچ جای دنیا این کار مرسوم نیست. مدتی بعد متوجه شدم همسرم با مردی به نام رامین آشنا شده است. او جوانی ایرانی و کاراته‌کا بود. آنها با هم رابطه داشتند. دیگر این زندگی فایده‌ای نداشت و من تصمیم گرفتم از الهام جدا شوم. قرار بود به ایران بیایم و طلاق بگیرم. الهام هم وسایلش را جمع کرده بود تا از خانه من برود. کاظم در ادامه به تشریح جزییات زمان قتل پرداخت و گفت: آن روز وارد خانه شدم و دیدم همسرم با رامین در شرایط نامناسبی بودند. من فریاد زدم و از آنها خواستم خانه مرا ترک کنند. جلوی در ایستادم تا آنها از منزل خارج شوند. رامین جلو آمد و در یک حرکت دست‌هایم را بست و من را به داخل خانه انداخت. الهام هم دو ضربه چاقو به من زد. من بی‌حال روی زمین افتاده بودم که دیدم آنها نقشه می‌کشند خانه را به آتش بکشند و پول‌های مرا بردارند و بروند. من هم با رمق کمی که داشتم سلاحم را برداشتم و به سمت آنها شلیک کردم. الهام با دو گلوله‌ای که به سمتش شلیک کردم جان باخت اما رامین فرار کرد. بعد از اینکه بازداشت شدم مدارکی را که در خانه‌ام بود پلیس ضبط کرد. بعد هم به من گفتند گم شده است. آنها اصلاً توجهی به اتفاق نداشتند و به من می‌گفتند تو تروریست هستی و به همین خاطر هم من را ۲۴ روز شکنجه کردند اما چون اعترافی نداشتم بعد از ۲۴ روز بازداشت خانگی شدم. به پایم سنسور وصل کرده بودند اما خودشان گفتند باید فرار کنی. آنها به من گفتند اگر بمانی ما تو را به عنوان یک تروریست محاکمه می‌کنیم. من هم با نامه‌ای که از اداره پلیس داشتم و در آن گواهی شده بود مدارک شناسایی‌ام گم شده است بلیتی از کالیفرنیا خریداری کردم و به ترکیه رفتم و از آنجا هم به ایران آمدم. وی در مورد اینکه چطور پابند را باز کرد، گفت: پابند پلاستیکی بود. من با قیچی بازش کردم.متهم ادامه داد: وقتی به ایران آمدم متوجه شدم همان زمان که الهام همسر صیغه‌ای من بود، صیغه مرد دیگری هم بود. بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل‌مدافعش هیات قضات وارد شور شدند و متهم را از قتل عمد تبرئه و به پرداخت دیه محکوم کردند.

دختر حسود دوستش را در تصادف ساختگی کشت

گروه حوادث: دختری پس از ازدواج دوستش، در حالی که به او حسادت می‌کرد وی را در یک تصادف ساختگی به قتل رساند. به گزارش خبرنگار ما ساعت ۷ صبح روز ۳۰ اردیبهشت‌ماه وقوع تصادف منجر به جرح در بلوار نبوت دولت‌آباد کرج به پلیس گزارش شد و ماموران پس از حضور در محل مشاهده کردند زنی حدوداً ۳۰ساله در حاشیه خیابان روی زمین افتاده و از ناحیه سر و صورت به شدت مجروح و دچار خونریزی شدید شده است. در حالی که راننده مقصر از صحنه تصادف گریخته بود زن مجروح به نام نیلوفر به بیمارستان منتقل شد. سپس کارشناسان به بررسی حادثه پرداختند و متوجه شدند روی آسفالت هیچ نشانه‌ای از ترمز ناگهانی وجود ندارد و علاوه بر این، آثار برجای مانده در محل حادثه نشان می‌دهد مصدوم حدود هشت متر روی زمین کشیده شده است. این سرنخ‌ها بر عمدی بودن تصادف دلالت داشت، به همین خاطر تحقیقات شکل تازه‌ای به خود گرفت. در حالی که کارآگاهان امیدوار بودند نیلوفر بتواند به آنان در رازگشایی از این معما کمک کند پزشکان اعلام کردند این زن قادر به تکلم نیست. چند ساعت بعد از وقوع این تصادف نیلوفر روی تخت بیمارستان جان باخت. کارآگاهان که هیچ اطلاعاتی از راننده فراری و علت تلاش او برای کشتن نیلوفر در اختیار نداشتند، ترجیح دادند یک بار دیگر صحنه حادثه را بازرسی کنند ولی این کار هیچ ثمری نداشت. در همان شرایط که تحقیقات به بن‌بست رسیده بود ناگهان ورق برگشت. افسران جنایی مشاهده کردند در فاصله ۴۰۰متری محل تصادف ساختمانی وجود دارد که مجهز به دوربین مداربسته است. به این ترتیب بعد از انجام هماهنگی‌های لازم فیلم ضبط‌شده مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد یک دستگاه خودرو پراید سفیدرنگ از مسیر خلاف جهت، وارد محل تصادف شد و در حالی‌که نیلوفر کاملاً در زاویه دید او بود، همزمان با نزدیک شدن به وی، سرعت خودرو را افزایش داد و به صورت عمدی با او برخورد کرد و پس از پرتاب کردنش به سرعت متواری شد.

کارآگاهان که اکنون اطلاعات اولیه را در اختیار داشتند سراغ خانواده مقتول رفتند تا از آنها درباره مالک پراید سفیدرنگ پرس و جو کنند. در این مرحله فاش شد نیلوفر اخیراً با دختری به نام «مهسا» که خودرویی مشابه اتومبیل مورد نظر دارد به شدت دچار اختلاف شده بود. با افشای این موضوع ماموران سراغ مهسا رفتند و در همان ابتدای کار با بررسی خودروی وی آثار تصادف را تشخیص دادند و مشاهده کردند سپر پراید نیز به تازگی تعویض شده است. مهسا پس از آنکه پشت میز بازجویی نشست به کشتن نیلوفر اقرار کرد و گفت: «ما با هم دوست بودیم و مشکلی نداشتیم تا اینکه نیلوفر ازدواج کرد. بعد از آن بود که با هم دچار مشکل شدیم. من به ازدواج نیلوفر حسودی می‌کردم و همین مساله کدورت بین ما را روز به روز بیشتر می‌کرد. تا اینکه تصمیم به قتل او گرفتم. من می‌دانستم نیلوفر هر روز صبح چه ساعتی و از کدام خیابان به طرف محل کار خود می‌رود. روز حادثه در نزدیکی خیابان محل سکونت‌شان کمین کردم و به محض مشاهده او، با خودروام او را زیر گرفتم و فرار کردم.» بنا بر این گزارش پس از اعترافات متهم وی به دستور بازپرس ویژه قتل بازداشت شد و تحقیقات از او ادامه دارد.

دسیسه زن و شوهر برای قتل مرد مزاحم

گروه حوادث: مردی که فهمیده بود مردی غریبه برای همسرش مزاحمت ایجاد می‌کند با طراحی نقشه‌ای حساب‌شده او را به خانه‌اش کشاند و جانش را گرفت.

به گزارش خبرنگار ما در یکی از روزهای بهمن‌ماه سال ۸۶ ماموران پلیس آگاهی شهرستان جهرم که از کشف یک جسد در حوالی شهر باخبر شده بودند، خود را به محل حادثه رساندند تا در این باره تحقیق کنند. بررسی‌های اولیه نشان داد مقتول به نام ابوذر بر اثر اصابت ضربات چاقو به قتل رسیده است.

از سویی چون هیچ شواهدی مبنی بر درگیری قاتل و مقتول در محل کشف جسد وجود نداشت، کارآگاهان پی بردند مقتول در محل دیگری کشته شده و به حاشیه شهر منتقل شده است. همچنین متخصصان پزشکی قانونی بعد از معاینه جسد علت مرگ ابوذر را خونریزی شدید اعلام کردند. در چنین شرایطی جنازه به پزشکی قانونی منتقل شد و کارآگاهان تلاش‌هایشان را برای رازگشایی از این جنایت آغاز کردند. چند روز پس از کشف جسد ماموران چند مظنون را شناسایی کردند. در بین مظنونان مردی ۲۳ ساله و همسر جوانش توجه ماموران را به خود جلب کرد و باعث شد آنان به طور نامحسوس تحت مراقبت قرار گیرند.

در این مرحله ماموران متوجه رفتار مرموز این زن و شوهر شدند و به شواهدی دست یافتند که نشان می‌داد آنها در ماجرای مرگ ابوذر دست دارند. به این ترتیب هر دو بازداشت شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند. مرد جوان به نام اکبر اتهام قتل ابوذر را گردن گرفت و گفت چون او با همسرش رابطه داشته وی را کشته است. او به کارآگاهان گفت: مدتی قبل فهمیدم ابوذر با همسرم مریم رابطه دارد. او سعی کرد این موضوع را از من مخفی نگه دارد اما این کارش فایده‌ای نداشت و دستش برایم رو شده بود.

در چنین شرایطی نقشه قتل ابوذر را طراحی و اجرا کردم. این اعترافات در حالی بود که مریم نیز آنها را تایید و به همدستی با شوهرش اقرار کرد. در حالی که تمام شواهد علیه این زوج بود پرونده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه کیفری استان فارس ارسال شد. در جلسه محاکمه ابتدا نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و با تشریح روند تحقیقات اکبر و مریم را به عنوان قاتلان ابوذر معرفی کرد و خواستار مجازات آنان شد. سپس اولیای دم نیز خواستار قصاص متهمان شدند و در ادامه اکبر در جایگاه حاضر شد تا به دفاع از خود بپردازد. او گفت: از مدتی پیش متوجه رفتار مشکوک مریم شده بودم اما هیچ مدرکی علیه او نداشتم. یک روز تلفن همراه او را روی تلفن خودم دایورت کردم و منتظر تماس مرد غریبه شدم. چند ساعت بعد ابوذر تماس گرفت و خواست با مریم صحبت کند. به این ترتیب مریم را وادار کردم تا با ابوذر تماس بگیرد و او را به خانه‌مان بکشاند.

وقتی ابوذر به خانه‌مان آمد من در گوشه‌ای پنهان شدم و از او و همسرم فیلمبرداری کردم. سپس او را غافلگیر کردم و با چند ضربه چاقو جانش را گرفتم. در ادامه جنازه را با خودرو به اطراف شهر بردم و آنجا رهایش کردم.

در ادامه به خانه پدر مریم رفتم و تصاویری که ابوذر را در کنار مریم نشان می‌داد به آنها دادم. خانواده مریم با دیدن این تصاویر خشمگین شدند و من را کتک زدند. آنها من را تحت فشار قرار دادند و با تهدید از من خواستند فیلم را پاک کنم. من هم به ناچار خواسته‌شان را اجرا کردم. قاضی پس از شنیدن این اظهارات ادامه رسیدگی به این پرونده را به جلسه دیگری موکول کرد.

حادثه‌ها

بازداشت دزدان سنگواره‌های هفت میلیون‌ساله

گروه حوادث: فرمانده پلیس «مراغه» از بازداشت اعضای باندی خبر داد که سنگواره‌های هفت میلیون‌ساله یک ماموت را دزدیده بودند. سرهنگ «امام‌پور» گفت: روز ۲۰ مهر سال گذشته سنگواره‌های هفت میلیون‌ساله جمجمه و عاج یک ماموت به طرز اسرارآمیز از محوطه اداره کل محیط زیست «مراغه» دزدیده شد و کارآگاهان عملیات گسترده‌ای را برای شناسایی و ردیابی دزدان آغاز کردند. وی ادامه داد: سرانجام هشت ماه تلاش شبانه‌روزی ماموران با کشف سرنخ‌ها به نتیجه رسید و به دنبال دستگیری سه عضو یک شبکه قاچاق میراث فرهنگی، سنگواره های تاریخی در روستایی در «مراغه» کشف شد. وی با بیان اینکه باستان‌شناسان طی سال‌ها کاوش و تحقیق فسیلی در «مراغه»، عاج‌ها و جمجمه ماموت را کشف کرده‌اند، اضافه کرد: از مخفیگاه اعضای همین باند ۱۹ قطعه تاریخی دیگر نیز با قدمت بیش از سه هزار سال به دست آمده است. بنا بر این گزارش طول عاج‌های این ماموت ۱۲۰ سانتیمتر است.

نجات یک کودک بازیگوش

آتش‌نشانان کودکی را که به خاطر شیطنت سرش داخل یک حلقه فلزی در آشپزخانه گیر کرده بود، نجات دادند. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران این رخداد ساعت ۱۵/۴۷ یکشنبه به مرکز ۱۲۵ اطلاع داده شد و امدادگران بی‌درنگ به سوی آدرس اعلام‌شده واقع در خیابان اول نیروی هوایی حرکت کردند. به گفته رحیم چراغی فرمانده همراه آتش‌نشانان در محل حادثه که یک منزل مسکونی بود پسربچه ۱/۵ساله‌ای در حال بازی در آشپزخانه سر خود را داخل حلقه فلزی که برای آویزان کردن لوازم آشپزخانه استفاده می‌شد، کرده و در آنجا گیر افتاده و قادر به خارج شدن نبود. آتش‌نشانان با رعایت اصول ایمنی و با استفاده از ابزار ویژه حلقه فلزی را برش دادند و سر این کودک از میان حلقه فلزی خارج شد.

بزرگ‌ترین همبرگر جهان در استرالیا

صاحبان یک رستوران در استرالیا با پخت یک همبرگر به وزن ۹۰ کیلوگرم مدعی پخت بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین همبرگر در جهان شدند.

به گزارش رویترز «جو و ایمان الجوز» - صاحبان رستورانی در سیدنی در استرالیا - گفتند: «ما برای پخت این همبرگر ۱۲ ساعت زمان صرف کردیم و چهار نفر هم در آماده‌سازی این ساندویچ غول‌پیکر به ما کمک کردند.» در پخت این همبرگر از ۱۲۰ تخم مرغ، ۲/۵ کیلوگرم گوجه‌فرنگی، ۱۵۰ ورقه پنیر، ۱/۵ کیلوگرم لبو و دو کیلوگرم کاهو استفاده شد. پیش از این یک همبرگر به وزن ۸۴ کیلوگرم در ایالت «میشیگان» در امریکا رکورددار گینس بود.

سارق منزل گوشت و چرخ گوشت را با هم برد

سارقی که با ورود به یک منزل در شهر تربت‌جام گوشت‌های داخل یخچال و چرخ‌گوشت را به سرقت برده بود، دستگیر شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس، یکی از شهروندان در تماس با فوریت‌های پلیس ۱۱۰ اعلام کرد: «برای شرکت در جشن عروسی یکی از اقوام، خانه را ترک کردم اما وقتی بازگشتم مرد غریبه‌ای را دیدم که از خانه‌ام بیرون آمد و در حالی که کیسه‌ای در دست داشت پا به فرار گذاشت. در پی اعلام این سرقت ماموران انتظامی شهرستان تربت‌جام بلافاصله با گشت‌زنی در خیابان‌های اطراف سارق را دستگیر و از داخل کیسه او مقداری گوشت یخ‌زده و چرخ‌گوشت به همراه ماشین اصلاح و یک دستگاه اتوی بخار کوچک کشف کردند.

جدول شماره ۹۸۳

Ho_aminian@yahoo.com

افقی

۱- داده را واپس خواستن- کشوری در شمال اروپا ۲- روشی برای جدا کردن یک کولوئید از جسمی به حالت محلول- ارابه و چهارچرخه- توانایی‌ها، زورها ۳- جد قوم عاد- استمرار، پایداری- خرس فلکی ۴- یار پت کارتونی- همسایه دهگان- داد و فریاد ۵- سیستم- از آثار وی طبقات است ۶- شاعر- ظالم ۷- بالاپوش خانم‌ها- پول حرام- اشاره به دور ۸- از عناصر شیمیایی- نوعی انگور با دانه‌های درشت و کشیده- چاشنی غذایی ۹- سلسله، دودمان- دین، مذهب- از عناصر شیمیایی فلزی ۱۰- سرپرست جامعه- نام قدیم خراسان ۱۱- حمل و نقل- عصبی که از کمر تا پا امتداد دارد ۱۲- ناخالص- کالای تجملی- ویتامین انعقاد خون ۱۳- از الفبای انگلیسی- مزین- پرنده‌ای سیاه و خوش‌آواز که خال‌های سفید ریزه دارد ۱۴- نقره- پروردگار یکتا- نقش و نگارهایی با تصاویر پیچ و خم‌دار ۱۵- محل پهلوگرفتن کشتی‌ها- منطقه‌ای در غرب تهران.

عمودی

۱- پدر علم اقتصاد- خوش‌ترکیب بودن ۲- شیوه گفتار- کریم و بخشنده- از شهرهای استان تهران ۳- بهترین اختیار- دیدنی در ارتش- زغال- سبک جامه و آرایش ۴- فرمان خودرو- واحد حافظه رایانه- بازیکن آزاد در والیبال ۵- زراعت به امید باران- نورانی- بله نجار- گندم ۶- افزون کردن- رنگی نزدیک به سبز- کلام پرسش ۷- جوش صورت- جرقه آتش- ارتعاش ۸- شاهد- یک‌چهارم- قدرت خواندن و نوشتن ۹- لباس خانم‌ها- سرزمین بلقیس- اشعه اکتشافی رنتگن ۱۰- سیم ایمن‌کننده لوازم الکتریکی- عجله- دوران پیش از اسلام ۱۱- ساز مولانا - از احجام هندسی- شکوه و جلال- وجود دارد ۱۲- قبیله سرخپوستان- شعبه‌ای از نژاد سفید- درون و میان ۱۳- سفید آذری- وقت و هنگام- حسادت - میوه پرخاصیت ۱۴- از شدت خنده بی‌حال شدن - از اندام تنفسی- ویرگول ۱۵- گاوچران امریکایی- بیماری چشمی کهنسالان.

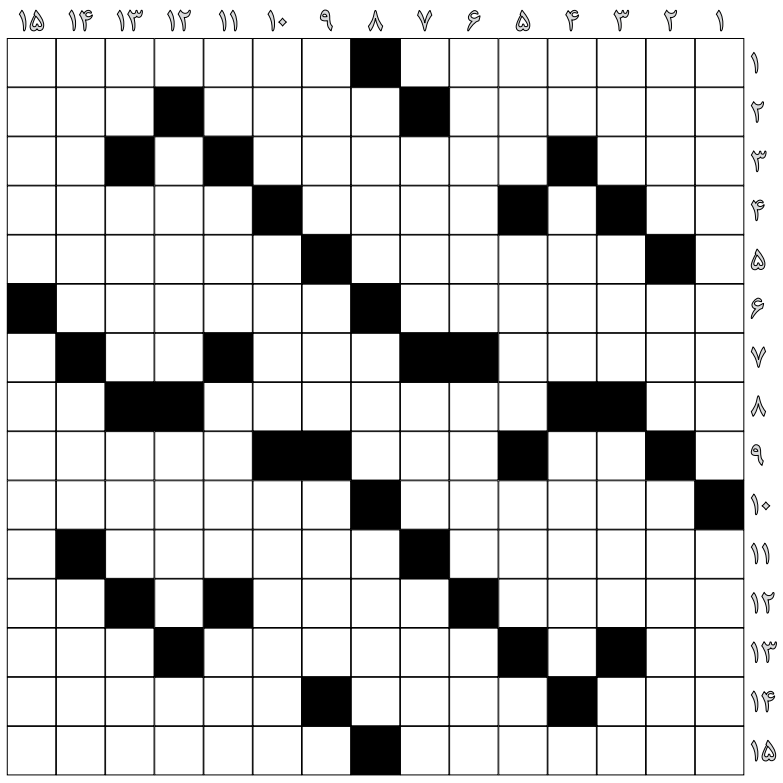

حل جدول شماره ۹۸۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	ا	س	م	ا	ن	ی	■	م	ی	ر	ع	م	ا	د
۲	ی	و	ا	ش	ک	ی	■	و	ف	و	ر	■	ن	ب	ا
۳	و	ا	چ	■	س	ا	د	ی	س	م	■	ا	■	ی	و
۴	س	ر	■	ب	■	ک	ا	ر	د	■	ا	س	ل	ا	و
۵	و	■	ا	س	ت	ا	ر	ا	■	د	م	ا	و	ن	د
۶	ل	ا	ک	ا	ر	ن	و	■	ا	ر	ا	س	ت	ه	■
۷	ف	ن	و	م	ن	■	■	ا	ت	و	■	ی	س	■	خ
۸	ا	و	■	■	م	ه	ا	ی	ا	ن	ا	■	■	ر	ا
۹	ت	■	ه	ک	■	ر	خ	ت	■	■	ر	و	ب	و	ت
۱۰	■	ا	س	ل	ی	م	ی	■	ا	م	د	ب	ل	ی	و
۱۱	ا	م	ت	ی	ا	ز	■	ا	ج	ت	ه	ا	ه	■	ن
۱۲	و	ا	ک	م	ن	■	ز	ه	ر	ا	■	ل	■	ک	ج
۱۳	ب	م	■	ی	■	ه	م	و	ا	ر	ه	■	ت	ر	ه
۱۴	ا	ی	ل	■	س	ا	ر	ا	■	ک	و	ه	ن	د	ا
۱۵	ش	ه	ر	ا	و	ر	د	■	د	ه	ا	ن	ب	ی	ن